



ارتباط‌اشیعی  
eShiaa  
مدرسه فقهت  
Feqahat School

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۸/۰۶/۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت‌الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل‌های 1401 - 1400

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین(ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت‌الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه‌ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع‌ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس‌ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت‌های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهت

ویکی‌فقه

ویکی‌پرسش

تقریر مدرسه فقهت

سطوح عالی

## محتویات

### ۱ مقدمه واجب

#### ۱.۱ تحریر محل نزاع

##### ۱.۱.۱ نکته اول: وجوب شرعی مقدمه واجب

##### ۱.۱.۱.۱ دارای نکته بودن تطویل مباحث اصولی

##### ۱.۱.۱.۲ دارای نکته بودن نقل اقوال و بررسی آن‌ها

##### ۱.۱.۲ نکته دوم: مورد بحث بودن وجوب ارتکازی یا تفصیلی مقدمه واجب

##### ۱.۱.۲.۱ مورد بحث بودن وجوب ارتکازی مقدمه واجب

##### ۱.۱.۲.۲ وجوب تفصیلی مقدمه واجب مورد بحث بودن

##### ۱.۱.۳ نکته سوم: اصولی بودن بحث مقدمه واجب

##### ۱.۱.۳.۱ فقهی مطرح کردن بحث مقدمه واجب

##### ۱.۱.۳.۱.۱ اصولی مطرح کردن بحث مقدمه واجب

##### ۱.۱.۳.۱.۱.۱ مبادی الاحکامیه بودن بحث مقدمه واجب

موضوع: کلام مرحوم آخوند / مقدمه واجب / بحث الفاظ

### ۱ مقدمه واجب

#### ۱.۱ تحریر محل نزاع

بحث در مقدمه واجب است روش بحث ما این است که اول کلام مرحوم آخوند مطرح شود و بعد آنچه که در مورد کلام ایشان گفته شده است مطرح می‌شود. اما در این بحث مرحوم آخوند محل نزاع را تحریر نکرده است. ابتدا وارد این بحث شده است که این بحث، مسأله اصولی است یا عقلی است؟ ما اول محل بحث را تحریر می‌کنیم.

##### ۱.۱.۱ نکته اول: وجوب شرعی مقدمه واجب

مراد از وجوب مقدمه این است که بحث در مورد وجوب شرعی مقدمه است. لابدیت عقلی مقدمه واجب جای بحث ندارد. واضح است که عقل امتثال احکام را واجب می‌داند. اگر فعلی متوقف بر مقدمه ای بود عقل می‌گوید برای تحقق امتثال، این مقدمه باید امتثال شود. لابدیت عقلی از توابع لزوم امتثال احکام شریعت است. این که بعضی در این گونه مباحث اشکال می‌کنند که مقدمه واجب جای بحث ندارد و واضح است که واجب است، درست متوجه نشده اند. بحث در وجوب مقدمه بحث از وجوب شرعی است نه بحث از لابدیت عقلی باشد. البته وجوب شرعی ثمراتی دارد که در جای خودش خواهد آمد. علاوه بر این مطالب (بحث در مورد وجوب شرعی است و مجالی برای این اشکالات نیست و منشا این اشکالات جهل به مساله است) در بحث مقدمه واجب همان وجوب شرعی یک بحث جزئی است و شاید دو جلسه بحث داشته باشد. بحث مقدمه واجب که اشکال می‌گیرند که شش ماه بعضی بحث کرده است بحث از وجوب شرعی مقدمه نیست بلکه به مناسبت این بحث، یک سری مباحث مهمی مطرح شده است که باعث بسط کلام شده است. مثلاً بحث از شرط متاخر و واجب معلق و واجب منجز و غیره مطرح می‌شود. عمده بحث مقدمه واجب مباحث دیگری است که در فقه اثر دارد.

#### ۱.۱.۱.۱. دارای نکته بودن تطویل مباحث اصولی

نباید به نقد بعضی توجه کرد که چرا این قدر بحث مقدمه واجب را تطویل می‌کنند. بالخصوص این اشکال جا ندارد. چنانچه که اشکال عامی هم گفته شده است که چرا این اباحات را تطویل کنیم و این تورم را چرا مرتکب بشویم؟ این اشکال جا ندارد. تطویل مباحث برای وضوح مطلب خیلی دخیل است و متعارف هم هست. مثلاً بحث از مقدمه وجودیه و مقدمه صحت می‌شود که یک نوع فهم جدیدی نسبت به اصل مطلب حاصل می‌شود. بسیاری از این تطویلات برای فهم مطلب اثر دارد. تطویل بلا طائل نیست. یا مثلاً در تعارض احوال گفته می‌شود که وجهی برای ترجیح یکی بر دیگری نیست. ما می‌توانیم به همین مقدار اکتفاء کنیم. اما وقتی ادله دیگران مطرح می‌شود مثلاً گفته می‌شود کسانی که مجاز و حقیقت را مقدم می‌کنند دلیلشان این است که مجاز گویی حسن دارد و بنای متکلمین بر لطیف سخن گفتن است. یا مثلاً وقتی دلیل قائلین به تقدم اشتراک گفته می‌شود و این که اشتراک مطابق حکمت وضع است. حکمت وضع این است که اوضاع متعدد به وجود نیاید، اصل تعارض احوال از ابهام نیز خارج می‌شود. ممکن است در ابتدا قائل به استحسان بودن ادله آن‌ها بشویم اما با بررسی ادله آن‌ها، مطلب واضح می‌شود.

#### ۱.۱.۱.۲. دارای نکته بودن نقل اقوال و بررسی آن‌ها

چنان چه نقل اقوال نیز این گونه این است. مقداری که برای واضح شدن مساله دخیل است مناسب است. برای احساس کردن واقع و به نتیجه رسیدن، بررسی اقوال مناسب است. این روش، یک روش عقلانی است که در تمام دنیا مورد استفاده است. درست نیست که گفته

شود که حالا مرحوم آخوند نظر خودش را گفته است و رفته است دیگری نیازی به بررسی اقوال آن ها نیست. همین نتیجه ها تکمیل اقوال سابق است و فهم اقوال مهم و ادله دیگران برای رسیدن به نتیجه به ما کمک می کند. بیان اقوال کسانی که دارای مبنا هستند (مانند مرحوم شیخ و مرحوم آخوند و مرحوم نائینی) مرتبه ای از فضل است. پس باید قول کسانی (بعضی از مدرسین) را که قائل به عدم تطویل مطالب هستند و نباید دنبال رو کسانی مانند مرحوم آخوند بشویم، این باشد که نباید بر آنها اکتفاء کرد و نباید به آن ها متعبد شد بلکه باید آن ها را تکمیل کرد و الا اگر مراد غیر از این باشد حرف درستی نیست. این روش مقدمه ای برای رسیدن به واقع است. مبدا متزلزل در این روش بشوید. کسانی که عالم اسلام شده اند همین راه را رفته اند. کسانی که در این مطالب مناقشه کرده اند و سهل انگاری کردند عده ای از آن ها اخباری شده اند که فی الجمله ضعیف هستند. عده ای دنبال اشعار مولا نا رفته اند. و عده ای نیز دنبال فیلم و سریال غیره رفته اند. اساسا اگر کسی یک عمر کلمات مرحوم آخوند کار کند در نهایت یک مدرس خوب می شود. حوزه نیاز به مدرس خوب و کسی که کلامات مرحوم آخوند فهمیده است، نیاز دارد.

خصوصا لا اقل اگر احتمال باشد که دنبال کردن این مطالب مفید باشد. همین احتمال کافی است که انسان همت کند و تلاش کند فرمایشات بزرگان کار شود و بر آن ها فکر شود. نظیر همان داستانی که امام (علیه السلام) با منکر خدا فرمود: ما این عبادت ها را انجام می دهیم اگر قیامتی در کار باشد که سود برده ایم و اگر قیامتی نباشد به تو سیان هستیم. کسانی که بر این مبانی خوب کار کند ارام ارام اهل نظر می شود

**اولا** بحث در مورد وجوب شرعی است نه وجوب عقلی است.

**ثانیا** بحث مقدمه واجب مشتمل بر مباحث مهمی است هر چند که اصل بحث مختصر است.

## ۱.۱.۲ نکته دوم: مورد بحث بودن وجوب ارتکازی یا تفصیلی مقدمه واجب

### ۱.۱.۲.۱ مورد بحث بودن وجوب ارتکازی مقدمه واجب

مرحوم خوئی فرموده است [۱] بحث از وجوب مقدمه بحث از وجوب ارتکازی است نه تفصیلی. یعنی علماء بحث می کنند که آیا وجوب ذی المقدمه ملازمه با وجوب ارتکازی مقدمه ملازمه دارد؟ کانّ می خواهد بفرماید که بحث در این نیست که مانند خبر واحد باشد که یک دلیل تفصیلی برای حجیت خبر واحد مطرح می شود. کسی که ذی المقدمه را بخواهد واجب کند و التفات به این مطلب دارد که این ذی المقدمه دارای مقدماتی است، ارتکازا وجوب ذی المقدمه را می خواهد.

در ارتکاز هر مولایی این گونه است که هر گاه طلب ذی المقدمه کند و التفات داشته باشد [۲] که این ذی المقدمه یک سری مقدمه دارد پس آن مقدمات را واجب کرده است. لذا محل بحث در مورد وجوب ارتکازی مقدمه است.

به نظر ما کلام مرحوم خوئی جای ملاحظه دارد. هر چند که مرحوم آخوند که بحث از وجوب مقدمه کرده است [۳] نتیجه آن وجوب ارتکازی مقدمه است. در همان چند خطی که در مقدمه واجب بحث کرده است و گفته است که ملازمه بین مقدمه و ذی المقدمه هست، کلام مرحوم خوئی در این رابطه درست است و اشاره به وجوب ارتکازی دارد، اما دلیل قائلین به وجوب مقدمه منحصر به وجوب ارتکازی نیست. مرحوم آخوند می‌گوید در بعضی موارد شارع مقدمه واجب را واجب تفصیلی کرده است. مثلاً ﴿اِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا﴾ [۴] که ناظر به وجوب مقدمه است بعد فرموده است که حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز سواء پس شارع مقدس در همه ی موارد مقدمه واجب را واجب کرده است. لذا مرحوم آخوند در نهایت به نحو تفصیل نتیجه می‌گیرد. نه به نحو ارتکاز فقط، تا گفته شود که وجوب ارتکازی خیلی خاصیت ندارد و باید ابراز و انشاء بشود.

نتیجه: اولاً مراد از وجوب مقدمه وجوب شرعی است نه لابدیت عقلی. ثانیاً بحث از وجوب نیز وجوب تفصیلی است نه وجوب ارتکازی. مرحوم آخوند نیز می‌خواهد از وجوب ارتکازی، ابراز و وجوب تفصیلی وجوب مقدمه را نتیجه بگیرد. نه این که مجرد ارتکاز مولا طلب مقدمه باشد.

نکته دیگر این است که مراد از وجوب مقدمه وجوب غیری است که بعداً به تفصیل به این مطلب نیز پرداخته می‌شود. چون مرحوم آخوند این مطلب را مطرح کرده است ما هم در جایگاه خودش به این مطلب می‌پردازیم.

### ۱.۱.۳ نکته سوم: اصولی بودن بحث مقدمه واجب

#### ۱.۱.۳.۱ فقهی مطرح کردن بحث مقدمه واجب

بعضی این مساله را فقهی مطرح کرده اند. قدماء این گونه گفته اند که هل یجب مالا یتیم الواجب الا به. محمول را واجب مطرح می‌کردند و موضوع را فعل مکلف مطرح می‌کردند. زیرا مقدمه فعل مکلف است. لذا بحث فقهی است و فقه از فعل مکلف بحث می‌کند. و طرح این مساله در اصول استطرادی است. (مثلاً نظیر قاعده طهارت که یک بحث فقهی است و حدیث لا تعاد و لا ضرر که بحث فقهی است که استطراداً در اصول مطرح شده است.

#### ۱.۱.۳.۱.۱ اصولی مطرح کردن بحث مقدمه واجب

مرحوم آخوند می‌فرماید [۵] وجهی برای استطرادی بودن بحث مقدمه واجب نیست. بعضی از مسائل هست که چند جور می‌توان آن را مطرح کرد. مرحوم آخوند این مطلب را در چند مورد مطرح کرده است که بحثی را که می‌توان اصولی مطرح کرد وجهی ندارد که آن را فقهی در علم اصول مطرح کرد. بحث مقدمه واجب از این قسم است. آیا بین وجوب ذی المقدمه و وجوب مقدمه ملازمه هست یا نه؟ بحث از فعل مکلف نیست. بحث از ملازمه بحث از

کار شارع است و از عوارض فعل مکلف نیست. از طرفی در طریق استنباط احکام شرعی قرار می‌گیرد. زیرا اگر ملازمه باشد حکم شرعی استنباط می‌شود. در استنباط مستنبط منه با مستنبط مغایر هستند. در این جا مستنبط منه ملازمه است که در اصول بحث می‌شود و در فقه نتیجه گرفته می‌شود که واجب است. لذا معیار مساله اصولی را دارد. پس وجهی ندارد که عنوان را فقهی مطرح کرد و بعد طرح این مساله در اصول استطرادی شود.

#### ۱.۱.۳.۱.۱.۱ مبادی الاحکامیه بودن بحث مقدمه واجب

مرحوم بروجردی فرموده است [۶] که نه مساله فقهی است و نه مساله اصولی است. بلکه از مباحث مبادی احکام است. مبادی الاحکام به این معنا است که از لوازم احکام بحث می‌شود. مثلاً بحث می‌شود که امر به شیء مقتضی نهی از ضد هست یا نه؟ اقتضای نهی از ضد بحث از لوازم احکام است. در این جا نیز این بحث مطرح می‌شود که آیا وجوب ذی المقدمه باعث وجوب مقدمه می‌شود یا نه؟ در حالی که در اصول بحث از حجج است. مثلاً خبر واحد حجت است یا نه؟ بحث از مقدمه واجب بحث از تعینات حجت نیست.

---

[۱] محاضرات فی الاصول، الخوئی، السید ابولقاسم، ج ۲، ص ۲۹۳.

[۲] اگر التفات نداشته باشد، مقدمه را واجب نکرده است.

[۳] کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۲۶.

[۴] مائده/سوره ۵، آیه ۶.

[۵] کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۸۹.

[۶] نهایه الاصول، تقریر بحث السید حسین بروجردی، ج ۱، ص ۱۵۴.

